

ای نام تو بهترین سرآغاز بی نام تو نامه کی کنم باز
ای هست کن اساس هستی کوتاه ز درت درازدستی

آب، این روح مذاب امید و زندگی، تازه نفس، جوان، زلال و نیرومند باگام های استوار شتابان می رفت تا خود را به دهان خشک زمین برساند و کودکان پرنشاط گل بوته ها و نوجوانان امیدوار ذرت ها در گوش نسیم آمین می گفتند و من با خشنودی باغ و صحرا را تماشا می کردم.

جامعه ی ما بحمدالله از میلیون ها جوان مؤمن برخوردار است و این مایه ی افتخار برای ملت ماست. جوان هم باید به کشور خود و نظام اسلامی خود و پرچم برافراشته ی اسلام خود ببالد و آینده را بسازد.

می گویند اسکندر در اثنای سفر به شهری رسید و از گورستان عبور کرد. سنگ مزارها را خواند و به حیرت فرو رفت، زیرا مدت حیات صاحبان قبور که بر روی سنگ ها حک شده بود هیچ کدام از ده سال تجاوز نمی کرد.

داشتم کلافه می شدم. سفرنامه ام را باز کردم و گوشه ی تعمیرگاه بغل کامیون قراضه نشستم و نوشتم: دیزی های اصفهان خوشمزه است و گوشت فراوان دارد، چون در این شهر غلات فراوان است نخود و لپه ی زیادی در آن می ریزند و این نشان می دهد محصولات کشاورزی رونق بسیار دارد.

در اولین ساعات حضورش در قم به حرم حضرت معصومه پناه برد. سر بر ضریح آن حضرت گذاشت و از خداوند خواست در راهی که انتخاب کرده است اخلاص و همت بلند عطا کند و به قلب نگران مادر آرامش بخشد و بیماری کسالت او را شفا دهد.